

بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان در تهران

مروه وامقی^۱، پیام روشنفکر^{۲*}، معصومه دژمان^۳، حسن رفیعی^۴، آمنه ستاره فروزان^۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۲

چکیده

در ایران ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و علل کار کودکان در خیابان، در برخی مطالعات بررسی شده است، اما مطالعات اندکی به بررسی کیفی تجربه کار کودکان در خیابان پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از مجموعه‌ای از روش‌های کیفی و کمی، ویژگی‌های کار کودکان در تهران را مطالعه کرده است. مطالعه به روش ارزیابی سریع و پاسخ، در سال ۹۲-۱۳۹۱ با استفاده از ترکیبی از روش‌های کیفی (بحث گروهی متمرکز، مصاحبه عمیق) و کمی برای گردآوری داده‌ها از افراد مطلع کلیدی و کودکان خیابانی، اجرا شد. در فاز کیفی برای ورود مطلعان کلیدی و کودکان خیابانی، نمونه‌گیری هدفمند و در مرحله کمی از نمونه‌گیری پاتوق‌ها برای دسترسی و ورود ۲۸۹ کودک خیابانی دختر و پسر به مطالعه، استفاده شد. یافته‌های کیفی به روش تحلیل محتوا و یافته‌های کمی با آزمون کای دو تحلیل شدند. بیشتر کودکان خیابانی تهران به کارهای متعارفی چون دست‌فروشی و نیمه‌متعارفی چون زباله‌گردی مشغول‌اند. بیشترین فراوانی محل کار کودکان، مناطق دو، دوازده و یک بود. نیمی از کودکان دو نوبت در روز (۴۹٪) و یک پنجم آنها تمام روز را کار می‌کردند. میانگین درآمد کودکان خیابانی ۲۰ هزار تومان در روز است و ۷۹٪ کودکان تمام یا بخشی از درآمدی خود را به خانواده می‌دهند. درآمد کودکان خیابانی در تأمین نیازهای زندگی کودک و خانواده نقش مهمی دارد و مانع جدی در توقف کار کودکان در خیابان است. این یافته بر ضرورت توجه به علل زمینه‌ای کار کودکان در راهبردهای مرتبط با کاهش کار کودک و اولویت آن بر اقدامات حذفی مانند جمع‌آوری تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی سریع و پاسخ، تهران، کار کودک، کودکان خیابانی.

۱. استادیار مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. m_vameghi@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، دکترای پژوهشی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

roshanfekr.payam@gmail.com

۳. استادیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. dejman.masoumeh@gmail.com

۴. استادیار رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. hassan441015@gmail.com

۵. دانشیار مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. as_forouzan_2000@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ بسیاری از کشورهای در حال توسعه محل زندگی و کار کودکان است. الگوی کار و فعالیت‌های کودکان در خیابان تابعی از زمینه خانوادگی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی است که کودکان را به خیابان می‌کشاند و هم‌زمان به رفتارهای آنها در خیابان شکل می‌دهد. این زمینه در کشورهای مختلف و حتی شهرهای مختلف یک کشور متفاوت است، از جمله علل متفاوتی برای خیابانی‌شدن کودکان در مطالعات جوامع مختلف، ذکر شده است. در حالی که برخی مطالعات، فقر خانواده را علت اصلی خیابانی‌شدن کودکان می‌دانند (عبدالقلیل^۱ و همکاران، ۲۰۰۴؛ براملی و ماک^۲، ۲۰۰۹؛ هنگ و اونو^۳، ۲۰۰۵؛ لالور^۴، ۱۹۹۹؛ یانگ، ۲۰۰۴). مطالعات دیگری نیز نابسامانی‌های درون خانواده به ویژه خشونت نسبت به کودکان را عامل اصلی خروج کودک از خانه و خیابانی‌شدن گزارش کرده‌اند (وارد و سگار^۵، ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی؛ ریبیرو و سیمپن^۶، ۲۰۰۱ در برزیل؛ اپتکار^۷، ۱۹۹۴ در هند و کلمبیا و هنگ و اونو، ۲۰۰۵ در ویتنام).

زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و علل ورود کودکان به خیابان بر ویژگی‌های کار کودکان در خیابان تأثیر می‌گذارد. از جمله هاتلوی و هاسر (۲۰۰۵) در مقایسه کار کودکان خیابانی در دو شهر باماکو در غنا که عمدتاً مسلمانند و شهر مسیحی‌نشین آکرا در مالی، نشان دادند که اشتغال اصلی کودکان در شهر نخست تکدی و در دومی، باربری و دست‌فروشی است. در شهرهای مختلف ترکیه شایع‌ترین کار کودکان خیابانی واکس‌زدن است، اما در برخی شهرها مانند آدانا، زباله‌گردی کودکان رواج بسیاری دارد (آکسیت^۸ و همکاران، ۲۰۰۱). همچنین تفاوت‌های قابل توجهی میان برخی ویژگی‌های کودکان مانند شیوع ایدز و اچ آی وی در کودکان خیابانی آفریقا و اروپا گزارش شده است (توماس دی بنیتز^۹، ۲۰۱۱).

۱. Abdelgalil

۲. Bromley and Mackie

۳. Hang and Ohno

۴. lalor

۵. Ward and Seager

۶. Ribeiro and Ciampone

۷. Aptekar

۸. Aksit

۹. Thomas de benitez

در ایران نیز تحولات اجتماعی- اقتصادی در سه دهه اخیر با افزایش و ظهور مشکلات اجتماعی از جمله کار و زندگی کودکان در خیابان همراه بوده است. مطالعات متعددی در خصوص شرایط کار و زندگی کودکان خیابانی انجام شده است. نتایج مطالعاتی که در تهران و سایر شهرهای کشور در دوره زمانی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۶ انجام شده، نشان می‌دهد بیشتر کودکان خیابانی (۸۰/۱۸٪) در مشاغل ساده و کم مهارت اشتغال دارند. بیشتر این کودکان (۶۸/۴٪) بیش از ۶ ساعت در روز کار می‌کنند و دست‌فروشی (۶۸/۵٪) رایج‌ترین فعالیت آنهاست (وامقی و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین مطالعات نشان داده‌اند که اغلب کودکان با خانواده خود در ارتباط بوده و بیشتر درآمد خود را صرف خانواده می‌کنند (همان).

اهداف تحقیق و ضرورت مطالعه

اغلب مطالعات کودکان خیابانی در ایران کمی بوده و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، کار و عوامل مرتبط با خیابانی‌شدن کودکان را بررسی نکرده‌اند. مطالعات اندکی به بررسی جنبه‌های کیفی کار کودکان در خیابان پرداخته و تجربه عمیق کودکان از کار در خیابان را بررسی کرده‌اند. یکی از محدود مطالعات کیفی کودکان خیابانی (ایمانی و نرسیسیانس، ۱۳۹۱) به بررسی برخی تجارب کودکان خیابانی چون چگونگی انتخاب شغل، محل کار و نگرش به کار در شهر کرج پرداخته‌اند. در تهران دو مطالعه نسبتاً جدید نیز به روش کمی و با حجم نمونه بالا، وضعیت کار و اشتغال (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) و ویژگی‌های جمعیت‌شناسی و کار و رفتارهای پرخطر (شغلی و محرز، ۱۳۸۹) کودکان خیابانی تهران را مطالعه کرده‌اند. هدف پژوهش حاضر آن است که با استفاده از مجموعه‌ای از روش‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات کمی و کیفی و منابع مختلف کسب اطلاعات، ویژگی‌های مختلف کار کودکان خیابانی و تجارب کودکان از کار در خیابان را در شهر تهران بررسی کند.

مبانی نظری

امروزه دیدگاه رایجی وجود دارد که معتقد است کار کودک عمیقاً ریشه در فقر دارد، اما به نظر می‌رسد علل کار کودک پیچیده‌اند و نباید بیش از حد آن را ساده دید. علل متعدد کار کودک به فرهنگ‌ها و زمینه‌های مختلفی که کودکان در آن زندگی می‌کنند نیز مرتبط است و به این

دلیل عمومیت دادن به دلایل کار کودک می تواند نادرست باشد. سازمان بین المللی کار، دلایل ورود کودکان به عرصه کار را از زاویه عرضه و تقاضا بررسی می کند و معتقد است گرچه عوامل اساسی چون فقر به عرضه کودکان به بازار کار منجر می شود، اما از نقش متقاضیان کار کودک که خانواده کودکان نیز یکی از آنهاست نباید غافل شد. در میان عوامل مربوط به عرضه، فقر مهم ترین عاملی است که کودکان را به محیط کار می کشاند، زیرا درآمد حاصل از کار کودک برای زندگی او و خانواده اش ضروری است. اگر چه فقر در پدیداری کار کودک نقش اساسی دارد، اما تنها عامل نیست. باورهای رایج و آداب و سنن محلی نیز نقش مهمی ایفا می کنند. باورهایی مانند اینکه کار سخت، کودک را آبدیده می کند و برای رشد او ضروری است، یا این که کودک باید در حرفه آموزی پا، جای پای والدین خود بگذارد و آن حرفه را از سنین پایین بیاموزد. باور قوی و همه گیری که دختر بچه ها کمتر از پسر ها به تحصیل نیاز دارند نیز سبب می شود خانواده ها دختران را زودتر و در سنین پایین، از تحصیل باز داشته و به کار در خانه وادارند (سازمان بین المللی کار،^۱ ۲۰۰۲ به نقل از وامقی، ۱۳۸۲). در دسترس نبودن امکانات تحصیلی هم یکی از مهم ترین علل کار کودکان است. بسیاری جوامع امکانات تحصیلی کافی ندارند یا اگر مدرسه ای وجود دارد، تحصیل از نظر کودک یا خانواده اش جایگزین مناسبی برای کار نیست. برای بسیاری از خانواده ها مدرسه کالایی لوکس است که قدرت تهیه آن را ندارند و حتی وقتی تحصیل رایگان است کودکی که در مدرسه است و کار نمی کند، درآمدش برای خانواده از دست رفته است. از زاویه تقاضا هم یکی از مشتریان اصلی کار کودکان خانواده ها هستند. تعداد زیادی از کودکان، کارگران بی مزد خانواده ها هستند. همچنین بسیاری از کارفرمایان، کودکان را با قیمت ارزان برای برخی کارها به کار می گیرند اما به نظر می رسد بیش از سود اقتصادی، کنترل آسان تر و آگاه نبودن کودکان از حقوق خود سبب می شود کارفرمایان به به کارگیری آنها در مقابل بزرگ سالان تمایل بیشتری داشته باشند (همان).

بویدن و همکارانش نیز دیدگاه های متعددی در مورد علل کار کودک مطرح کرده اند (جانسن، ۲۰۰۹)؛ که برخی از آنها عبارتند از:

کار کودک برای کمک به خانواده: بر اساس این نظریه، در جوامع در حال توسعه بیشتر کودکان برای حمایت از خانواده‌های خود کار می‌کنند. مطالعات انجام‌شده^۱ موسسه نجات کودکان^۱ در سوئد نشان داده است که بیشتر کودکان به خواست یا حداقل اجازه والدین، برخی با تمایل خود و برخی به‌رغم میلشان کار می‌کنند. بیشتر کودکان کار می‌کنند، چون خانواده به کمک آنها از طریق درآمد کارشان یا کمک آنها به کار در خانه نیاز دارند. از آنجا که کودکان خود را بخشی از خانواده می‌دانند اغلب آنها کمک به خانواده را بخصوص وقتی که بقای خانواده به کمک آنها بستگی دارد، منطقی می‌دانند. مطالعات انجام‌شده در مراکش و اندونزی نشان داده است که بیشتر کودکان از این که به خانواده کمک مالی می‌کنند احساس مثبتی دارند. در مطالعه‌ای در برزیل نیز کودکان گفته‌اند که برای کمک به مادران خود کار می‌کنند و بخش عمده درآمد خود را به خانواده می‌دهند. ترس از دست‌دادن حمایت خانواده و رهاشدن نیز دلیل دیگری برای کار کودکان است.

کار کودک به عنوان ابزاری برای خود شکوفایی: برهان اصلی این نظریه آن است که بسیاری از کودکان حتی اگر مجبور نباشند، می‌خواهند کار کنند. حتی وقتی فقر در کار نیست و کودکان مجبور به کار نیستند، بعضی کودکان مایلند کار کنند. به همان دلیلی که کودکان طبقه متوسط در کشورهای صنعتی به کارهای پاره‌وقت می‌پردازند، در کشورهای در حال توسعه نیز کودکان کار می‌خواهند کار کنند. بعضی کودکان نیز باور دارند که کار راه خوبی برای آموزش دیدن است و با این روش بزرگسالانی با کفایت و موفق خواهند شد. مستقل شدن هم عامل دیگری برای کار کودکان است. سطح استقلال در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و هم جنبه‌های روان‌شناختی و هم اقتصادی دارد. بعد روان‌شناختی استقلال، نیاز کودک برای درآوردن پول توجیبی بدون نیاز به کمک والدین است و بیشتر در کشورهای صنعتی دیده می‌شود. استقلال اقتصادی بیشتر در کودکان کشورهای فقیر دیده می‌شود که به دنبال راهی برای خروج از فقرند و به این دلیل درآمد داشتن برای خودشان را ضروری می‌دانند. همچنین بر اساس این نظریه، بسیاری از کودکان کارکردن را سرگرمی نیز می‌دانند که به آنها امکان تعامل اجتماعی و انگیزش می‌دهد.

کار کودک به عنوان پیامد پویایی خانواده: بر اساس این نظریه، کار کودک نتیجه ناتوانی خانواده در تصمیم‌گیری یا در روابط است. کار کودک نشان‌دهنده خطای خانواده در قضاوت در مورد واقعیت‌ها یا در تفکر راهبردی آنها در مورد بهترین روش مواجهه با واقعیت‌هاست. به عنوان مثال بیشتر والدینی که به کودکانشان اجازه می‌دهند به جای درس‌خواندن، کار کنند اهمیت تحصیل را نادیده می‌گیرند. همچنین کار کودک می‌تواند نتیجه در هم شکستن ارزش‌های خانوادگی باشد؛ به طوری که والدین وظیفه حمایتی خود را انجام ندهند. نمونه افت ارزش‌های اخلاقی وقتی است که والدین کودک خود را با هدف نفع مادی برای تن‌فروشی یا در ازای بدهی خود می‌فروشند. این نظریه مدعی است کار کودک نتیجه بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی خانواده است. بانک جهانی در کنار سایر علل به ارتباط بعد خانوار با کار کودک در جمعیت‌های فقیر کشورهای در حال توسعه تأکید می‌کند. مشارکت آموزشی و پیشرفت تحصیلی کودکان در خانواده‌های پرجمعیت ممکن است به دلیل سرمایه‌گذاری کمتر والدین در آموزش کودکان کمتر باشد. به این ترتیب کودکان خانواده‌های پرجمعیت بیشتر ممکن است وارد کار شوند. همه کودکان یک خانواده هم یکسان در معرض محرومیت تحصیلی نیستند، دخترها بیش از پسرها و بچه‌های بزرگ‌تر بیش از کوچک‌ترها به کار فرستاده می‌شوند. آموزش و شغل والدین هم عامل مهم دیگری برای کار کودک است. والدین تحصیل‌کرده‌تر بخصوص مادران، کمتر ممکن است اجازه دهند کودکان‌شان سر کار بروند. یک بحث شایع نیز آن است که آیا در خانواده‌های فقیر، داشتن فرزند راهبردی برای افزایش نیروی کار است. در خانواده‌هایی مانند کشاورزان احتمال داشتن بچه‌های بیشتر، بالاتر است. وقتی بچه‌ها از سنین پایین آغاز به کار می‌کنند، درآمد آنها از کار بیش از هزینه بزرگ‌کردن آنهاست.

کار کودک پیامد فقر: کار کودک در نتیجه فقر، یکی از شایع‌ترین نظریات در توضیح کار کودکان است. بر اساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار، کار کودک ممکن است در حدود ۲۰ درصد درآمد خانواده را تأمین کند و در خانواده‌های فقیر، چون بیشتر درآمد صرف تهیه غذا می‌شود، درآمد کودکان برای آنها موضوع جدی‌ای است. وابستگی خانواده‌ها به کار کودکان طیف وسیعی از عدم وابستگی در کشورهای صنعتی تا نزدیک به وابستگی کامل در خانواده‌های بدون بزرگسال یا بزرگسال دچار ناتوانی را در بر می‌گیرد. اهمیت اساسی فقر در کار کودک چنان مورد پذیرش همگانی و مستند شده است که نیاز کمتری به اثبات دارد. معذالک در مورد میزان تأثیر فقر بر کار کودک عدم توافق وجود دارد. در صورتی که فقر تنها

عامل کار کودکان باشد، بالاترین میزان کار کودک را باید در فقیرترین کشورهای جهان یافت، در حالی که همیشه این گونه نیست. ارتباط میان فقر و کار کودک متنوع، مبهم و غیر مستقیم است.



پیشینه تحقیق

نتایج مطالعه توصیفی صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران (۱۳۷۷)، یکی از نخستین مطالعات انجام یافته در خصوص وضعیت کودکان خیابانی شهر تهران، حاکی از آن بود که آنها گروهی متشکل از کودکان ۵ تا ۱۸ ساله‌اند که ۹۵٪ آنها را پسران تشکیل می‌دهند. ۹۰٪ این کودکان پدر و مادر داشته و ۲۵ تا ۸۰٪ آنها با والدین خود زندگی می‌کنند. اغلب این کودکان از خانواده‌های پرجمعیت بوده و تعداد افراد خانواده این کودکان بین ۵ تا ۱۰ نفر و میانگین آنها ۸ نفر است. همچنین اکثر این کودکان مهاجرند به طوری که ۴۴٪ این کودکان از روستاها و شهرهای مختلف به تهران آمده و ۳۶٪ آنها مهاجران افغانی و تنها ۲۰٪ آنها ساکن تهران و حومه آن هستند. همگی این بچه‌ها یا بی‌سوادند و یا در مقطع ابتدایی ترک تحصیل کرده‌اند. علت اصلی ترک تحصیل این کودکان، فقر و شرایط دشوار خانوادگی مانند بدرفتاری با کودک یا نداشتن سرپرست مؤثر بوده است. بر طبق این مطالعه، این کودکان بین ۱۰ تا ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنند و معمولاً اوقات فراغتی ندارند. مشاغل رایج این کودکان شامل فروش شیرینی و شکلات، سیگار، آدامس، روزنامه، گل، فالنامه، اجناس شیشه‌ای، واکس زدن، جمع‌آوری زباله و تعداد ناچیزی تکدی است. میزان درآمد روزانه این کودکان (در سال ۱۳۷۷) ۸۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ ریال بوده است که معمولاً درآمد حاصل از کار خود را به خانواده داده‌اند (صندوق کودکان سازمان ملل متحد، ۱۳۷۷ به نقل از وامقی و دیگران، ۱۳۸۸).

مرور نظام مند ۴۰ مطالعه دیگر در خصوص وضعیت کودکان خیابانی ایران تا سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد که کودکان خیابانی در ایران طیفی از کودکان ۳ تا ۱۸ سال را تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد اکثر کودکان خیابانی پسرند و دختران جمعیت کوچکی از کودکان خیابانی ایران را شامل می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهند که بسیاری از کودکان خیابانی دارای خانواده بوده و نه تنها با خانواده‌های خود در ارتباط‌اند بلکه درآمد خود را صرف کمک به تأمین معاش خانواده نیز می‌کنند. بسیاری از این کودکان در خیابان‌ها به کار مشغول‌اند و درآمد آنها نقش مهمی در حفظ حیات و تداوم زندگی خود و خانواده ایفا می‌کند. بسیاری از کودکان خیابانی بی‌سواد بوده و یا تحصیلات ابتدایی دارند و امکان راه یافتن آنها به مقاطع بالاتر تحصیلی با گذشت زمان کاهش می‌یابد. پدران و مادران این کودکان نیز تحصیلات اندکی داشته و مهارت‌های حرفه‌ای ضعیفی دارند. نکته قابل توجه حضور درصد بالایی از کودکان مهاجر افغانی است، با در نظر گرفتن این نکته که بسیاری از کودکان ایرانی مهاجران داخلی هستند و از سایر

استان ها به تهران و یا از شهرهای کوچک به مراکز استان ها مهاجرت کرده و در حاشیه شهرها مسکن گزیده اند. بیشتر کودکان خیابانی (۸۰/۱۸٪) در خیابان به کار اشتغال دارند. انواع فعالیت های کودکان برای کسب درآمد در مطالعات مختلف شامل انواع دست فروشی، شاگردی، مغازه، پادویی سینما، واکس زدن، جمع آوری ضایعات، شستشوی اتوموبیل، وزن کشی، باربری، جارچی گری، تکدی، سرقت، مال خری و باج گیری بوده است. دست فروشی بالاترین فراوانی را در میان مشاغل کودکان دارد (۶۸/۵٪) اما در مطالعات به تکدی، دزدی و تن فروشی نیز اشاره شده است. مطالعه روشن پژوه و همکارش (۱۳۸۹) نشان می دهد ۸۸٪ کودکان مورد مطالعه شاغل بوده اند. مطالعه آرزومندی و همکارش (۱۳۸۹)، حاکی از آن است که از میان کودکان خیابانی ۳۷/۵٪ به شغل دست فروشی، ۲۲/۵٪ به کار در کارگاه ها، ۲۰٪ به کار در منازل، ۱۲/۵٪ به خیاطی، ۵٪ به واکس زنی و ۲/۵٪ آنان به نواختن موسیقی مشغول بوده اند. از این میان ۶۷/۵٪ کودکان دلیل کار خود را کسب درآمد، ۳۷/۵٪ مسائل و مشکلات خانوادگی و ۱۲/۵٪ مهاجرت عنوان کرده اند. کودکان خیابانی ساعات زیادی از روز را به کار مشغول اند و برخی مطالعات نشان داده اند که بیشتر این کودکان (۶۸/۴٪) بیش از ۶ ساعت در روز کار می کنند. کمترین میزان درآمد کودکان در شهر تهران ۶ هزار تومان و کمتر و بالاترین آن ۱۵۰ هزار تومان و بالاتر در ماه در دوره زمانی مطالعات (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) بوده است. بالاترین فراوانی طبقات درآمدی کودکان (۵۰ درصد) در مطالعه ای در شهر تهران و معادل ۱۵ تا ۴۵ هزار تومان در ماه بوده است (وامقی و دیگران، ۱۳۸۸).

گذران ساعات طولانی در خیابان ها و قرار گرفتن در معرض عوامل متعدد آسیب زای محیطی از یک سو و عدم برخورداری یا محدودیت شدید در استفاده از امکانات آموزشی، تربیتی، بهداشتی-درمانی و حمایتی از سوی دیگر، سلامت جسمی، روانی و اجتماعی این کودکان را به شدت با آسیب مواجه ساخته و امکان رشد و توسعه فردی را از آنها سلب می کند. عدم دسترسی به آموزش های تحصیلی و حرفه ای امکان ارتقای این کودکان را به مشاغل در سطوح بالاتر منتفی کرده و تجسم تغییر در شرایط زندگی آینده را برای آنها غیر ممکن می سازد (وامقی و دیگران، ۱۳۸۸). یافته های برخی مطالعات انجام شده از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ اغلب نتایج مطالعات پیشین را تأیید می کند (آرزومندی و دیگران، ۱۳۸۹؛ روشن پژوه و دیگران، ۱۳۸۹؛ شهرداری تهران، ۱۳۸۹؛ مسعودی فرید و دیگران، ۱۳۹۰). در عین حال برخی مطالعات جدید نشان می دهند با وجود آن که فراوانی وضعیت خانوادگی مربوط به کودکان

دارای پدر و مادر (که به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی و تبعات آن در خیابان حضور دارند) بیشتر از همه است، اما نسبت این گروه به کل کودکان در حال کاهش بوده (از ۷۶/۳ درصد در سال ۸۷ به ۷۱/۵ درصد در سال ۱۳۸۹) و در عوض درصد کودکان خیابانی ناشی از بدسرپرستی و به ویژه طلاق در حال افزایش است (۶/۸٪ در سال ۸۷ به ۹/۶٪ در سال ۸۹) (مسعودی فرید و دیگران، ۱۳۹۰).

روش تحقیق

نوع مطالعه و روش اجرا: یافته‌های این مقاله بخشی از نتایج مطالعه بزرگ‌تری است که به منظور ارزیابی وضعیت جمعیت شناختی، کار و رفتارهای پرخطر کودکان خیابانی شهر تهران به روش ارزیابی سریع و پاسخ^۱ (RAR) در سال ۹۲-۱۳۹۱ در شهر تهران انجام شد. مطالعه در ۸ مرحله شامل مشورت اولیه، تهیه نیم‌رخ منطقه مورد مطالعه، ارزیابی زمینه، ارزیابی جمعیت و محیط، ارزیابی مشکل سلامتی، ارزیابی رفتارهای سلامت و خطر، ارزیابی مداخلات فعلی و تدوین برنامه عمل اجرا شده و در مراحل مختلف آن از ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی و مرور منابع سود جسته است.

جمعیت مطالعه و روش نمونه‌گیری: جمعیت این مطالعه، کودکان خیابانی شهر تهران و مطلعان کلیدی بودند. منظور از کودکان خیابانی، کودکان ایرانی و غیر ایرانی بودند که زمان قابل توجهی از روز را در خیابان‌های شهر تهران به کار و یا زندگی می‌پرداختند. معیار انتخاب مطلعان داشتن تجربه ستادی و یا کار مستقیم در سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مرتبط با کودکان خیابانی و رفتارهای پرخطر بوده است. در بخش کیفی، انتخاب مطلعان کلیدی، هدفمند بود که توسط تیم تحقیق صورت پذیرفت. انتخاب کودکان نیز به صورت هدفمند و از ۵ مرکز ارائه‌دهنده خدمات به کودکان خیابانی شهر تهران انجام گرفت. در بخش کمی از روش نمونه‌گیری زمان-مکان^۲ (TLS) برای دسترسی به کودکان در خیابان، ۲۸ پاتوق (محل کار) به روش تصادفی سهمیه‌ای در سه پهنه توسعه‌ای شهر تهران انتخاب شد و کودکان در همه پاتوق‌ها به روش تمام‌شماری نمونه‌گیری شدند. حجم نمونه لازم برای این مرحله با در نظر گرفتن میزان شیوع ۳۰٪ رفتارهای پرخطر جنسی در کودکان خیابانی بر اساس مطالعه شغلی و

1. Rapid Assessment and Response

2. Time-Location Sampling

محرز (۱۳۸۹) و با اطمینان ۹۵ درصد و دقت ۱۰ درصد، برابر ۲۷۰ نفر محاسبه که با توجه به تمام شماری، ۲۸۶ پرسشنامه تکمیل شد.

روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات: در بخش کیفی، به منظور جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ویژگی‌های اشتغال کودکان، مانند نوع مشاغل، محل و زمان کار و روابط کودکان با یکدیگر از روش‌های بحث گروهی متمرکز و مصاحبه عمیق فردی استفاده شد. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از بررسی متون، سیزده بحث گروهی متمرکز با کودکان خیابانی به تفکیک گروه‌های سنی (۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۸ سال)، جنسی (دختر - پسر) و قومی (ایرانی کولی، ایرانی غیر کولی، افغان) در مراکز غیر دولتی کودکان خیابانی و ۱۶ مصاحبه عمیق با مطلعان کلیدی در هفت سازمان غیر دولتی، سازمان بهزیستی، شهرداری تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، صندوق کودکان سازمان ملل در تهران و دفتر مقابله با مواد مخدر سازمان ملل با استفاده از پرسشنامه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. در بخش کمی نیز اطلاعات لازم در خصوص سؤالات مطالعه شامل انواع مشاغل، سن ورود به خیابان، ساعت کار، درآمد و نحوه هزینه‌کرد درآمد کودکان و فرضیات مطالعه پیرامون ارتباط میان ویژگی‌های کار و مشخصات جمعیت‌شناختی کودکان با انجام مصاحبه ساختاریافته با کودکان در خیابان گردآوری شدند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و بحث‌های گروهی به روش تحلیل محتوی انجام گرفت. بدین ترتیب که اطلاعات ضبط‌شده کدگذاری و به منظور افزایش دقت، توسط یکی از افراد تیم ارزیابی سریع، بازبینی و در صورت لزوم تصحیح شدند. بر اساس نتایج کدگذاری‌ها طبقات اصلی اطلاعات استخراج، با مقایسه دائم آنها، بعضی از طبقات مشابه با هم ادغام و با توجه به اهداف مطالعه محوربندی شدند. فراوانی یافته‌های کمی توصیف و با استفاده از نرم افزار SPSS و از آزمون کای اسکوتر تحلیل شدند. ملاحظات اخلاقی: با توجه به وظایف قانونی سازمان بهزیستی کل به عنوان تنها متولی کودکان خیابانی در کشور^۱، دبیر کمیته پیشگیری و کنترل ایدز سازمان بهزیستی کشور مجوز اجرا و پرسشگری از کودکان را در اختیار تیم تحقیق قرار داد. همچنین تمامی مراحل مطالعه به وسیله کمیته اخلاق در دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی بررسی و با کد USWR.REC.93.1 تصویب

۱. بر اساس مصوبه ۶۰۴/۷۰ مورخ ۱۳۷۸/۳/۲۵ شورای عالی اداری کشور، ساماندهی کودکان خیابانی (افراد زیر ۱۸ سال) بر عهده سازمان بهزیستی و درمورد افراد بالای ۱۸ سال (متکدیان و ولگردان) بر عهده وزارت کشور با همکاری سازمان‌ها و نهادهای مختلف از جمله سازمان بهزیستی است.

شد. در کلیه بحث‌های گروهی با کودکان به طور روشن و قابل درک اهداف جلسه توضیح داده شد و ضمن تأکید بر حق کودکان برای شرکت یا عدم شرکت در مطالعه، رضایت شفاهی کودکان برای انجام بحث گروهی گرفته شد. از کودکان درخواست شد که با هر نام کوچکی که مایلند در بحث گروهی شرکت کنند و نام خانوادگی خود را بیان نکنند. همچنین کودکان برای ورود یا خروج از بحث در هر زمانی آزاد بودند.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: یافته‌های مطالعه نشان داد که بیش از نیمی از کودکان خیابانی شهر تهران ایرانی‌اند (۵۹/۴٪)، اما کودکان افغان نیز بخش شایان توجهی از آنها را تشکیل می‌دهند (۳۶/۳٪). بخشی از کودکان ایرانی خیابانی شهر تهران کولی‌اند (۱۵/۲٪ کل کودکان) که از نظر زندگی و کار از کودکان افغان و سایر کودکان ایرانی متفاوت‌اند. در حدود یک چهارم کودکان خیابانی تهران دختر (۲۵/۵٪) و بقیه پسر بودند. از نظر سنی ۵/۸ درصد کودکان زیر ۱۰ سال، ۴۵/۳٪ بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۴۸/۹٪ بین ۱۵ تا ۱۸ سال بودند (رفیعی و دیگران، در دست بررسی).

نوع کار: بر اساس اطلاعات کودکان و مطلعان کلیدی، فعالیت رایج اغلب کودکان خیابانی دست‌فروشی کالاهای کوچک و ارزان چون فال، شکلات و آدامس، گل و مشاغلی مانند وزن‌کشی، واکس‌زدن، باربری، نوازندگی، پاک‌کردن شیشه ماشین‌ها و اسفند دودکنی است که آنها را به دلیل شیوع بالاتر و بار منفی اجتماعی کمتر، کارهای متعارف نامیدیم؛ اما کودکان به مشاغل کمتر متعارف یا نیمه‌متعارف چون جمع‌آوری ضایعات (زباله‌گردی) و نان خشک، قبرشویی و تکدی نیز می‌پردازند که در میان خود کودکان نیز مقبولیت و شیوع کمتری دارند. بعضی مشاغل در گروه‌های از کودکان خیابانی رواج بیشتری دارد، از جمله زباله‌گردی در کودکان افغان، اسفند دودکنی و تکدی در کودکان کولی و ساز زدن و آواز خواندن در زابلی‌ها. یافته‌های کمی نشان می‌دهد در میان کودکان خیابانی ایرانی، ۸/۸٪ و در میان کودکان غیر ایرانی، ۳۰/۸٪ به کارهای نیمه متعارف (شامل تکدی و زباله‌گردی) اشتغال دارند و این تفاوت در دو گروه کودکان خیابانی ایرانی و غیر ایرانی معنادار است ($p < 0.000$). پسران بیش از دخترها کارهای نیمه‌متعارف انجام می‌دهند، به طوری که در میان کودکان خیابانی، ۱۹/۲٪ از پسران و ۹/۶٪ از دختران کار نیمه‌متعارف انجام می‌دهند و این تفاوت در دو گروه کودکان

خیابانی پسر و دختر نیز معنادار است ($p < 0.047$). به علاوه با بیشتر شدن سن کودکان از میزان کارهای متعارف کاسته می‌شود. در میان کودکان خیابانی ۱۰ تا ۱۴ سال، ۸۲/۴٪ و در میان کودکان خیابانی ۱۵ تا ۱۸ سال، ۷۸/۷٪ کار متعارف انجام می‌دهند و این تفاوت در دو گروه کودکان خیابانی ۱۰ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۸ سال معنادار است ($p < 0.041$).

زباله‌گردی، به معنای جمع‌آوری ضایعات قابل فروش در بخش‌هایی از استان تهران مانند خاوران و سرآسیاب ملارد، یکی از مشاغل رایج کودکان است. در سرآسیاب ملارد گاراژهایی وجود دارد که محل انبار ضایعاتی مثل قوطی و مواد پلاستیکی است. کودکان در صورت داشتن پول کافی از صاحبان گاراژها گاری کرایه می‌کنند و با گاری و دوچرخه یا پیاده و با گونی و گاه با وانت صاحب گاراژ برای جمع‌آوری ضایعات به نقاط دور و نزدیک می‌روند. ضایعات جمع‌آوری‌شده در گاراژها وزن می‌شود و کودکان متناسب با وزن ضایعات پول دریافت می‌کنند. به گفته مطلعان زباله جایگاه مهمی در زندگی این خانواده‌ها دارد.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: از نظر سطح بهداشت و فرهنگ در وضعیت خیلی بدی قرار دارند، ما به بچه‌ها دستکش و چکمه و لباس کار داده‌ایم برای زباله‌گردی ولی خانه‌هایشان آنقدر کثیف است که من فکر می‌کنم در خانه هم باید از آن‌ها استفاده کنند. هر چیز خوشگلی که پیدا کنند می‌برند خانه. برای بازدید از منزل که به خانه‌هایشان می‌رویم کاملاً مشخص است که زباله‌گردند. نگاهشان این است که زباله خیلی ارزشمند است. به علاوه یکی از مطلعان کلیدی جمع‌آوری زباله و ضایعات نان را شغلی خانوادگی می‌داند، به این معنا که افراد یک خانواده، شغل خاصی مثل جمع‌آوری نان خشک را دنبال می‌کنند.

- کودک خیابانی سابق: بیشتر تمایلشون برمی‌گرده به سابقه پدر. پدر چه کار داره می‌کنه و بعد بچه‌ها هم وارد این کار میشن. این کار به خورده بیشتر از مسلمان کاری دیگه خونادگی تره. من پدرم نون خشکی بود، برادرارم وارد اینکار شدن و خودم هم تا به سنی. از دید مطلعان، بخش بسیار کوچک‌تری از کودکان نیز در خیابان به بزه‌هایی مانند جا به جا کردن و فروش مواد مخدر، جیب‌بری و سرقت و تن‌فروشی می‌پردازند که گاه به عنوان کار اصلی یا در کنار کارهای دیگر مانند دست‌فروشی انجام می‌شود. به جهت متداول نبودن این مشاغل این گروه از کارهای کودکان را نامتعارف نامیدیم.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: بچه‌ای داشتیم خیلی باهوش و زرنگ بود، خیلی هم کوچولو بود، کارش مواد بود، می‌گفت من می‌رم واسه بابام کوچه مولوی دارو می‌گیرم، واسه مامانم پاش درد می‌کنه می‌رم دارو می‌گیرم، رفتیم خونه شون، دیدم خونه جاییه که کاملاً مواد مصرف می‌کنند. این چون کوچولو بود می‌رفت مواد می‌گرفت می‌آورد.

با اینکه کودکان خیابانی در موارد انگشت‌شماری برای کسب درآمد تن‌فروشی هم می‌کنند، بعضی مطلعان با قرار دادن کودکانی که تن‌فروشی می‌کنند در گروه کودکان خیابانی موافق نیستند.

- مسئول مرکز غیر دولتی: نه این وارد دسته روسپیگری می‌شود که تعریف خودش را دارد، البته یک هم‌پوشانی‌هایی با هم دارند و خیلی نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد. منظورم این است که این دو کیس خیلی به هم نزدیکند ولی نمی‌توان هر دو را در یک گروه قرار داد.

داده‌های کمی مطالعه نیز نشان می‌دهد بالاترین سهم اشتغال متعلق به کارهای متعارف و در میان کارهای متعارف نیز انواع دست‌فروشی با ۷۳/۲٪ دارای بیشترین سهم است و ۶۱/۶٪ کودکان فقط به انواع دست‌فروشی اشتغال دارند. پس از آن جمع‌آوری ضایعات (زباله‌گردی و نان خشکی) با ۹/۶٪ و کارهای متعارف خدماتی شامل باربری و پادویی با ۸/۶٪ قرار می‌گیرند. جدول ۱ فراوانی انواع مشاغل کودکان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. انواع کارهای متعارف، نیمه‌متعارف و غیر متعارف کودکان خیابانی شهر تهران، ۱۳۹۱

نوع کار	فراوانی (درصد)
انواع دست‌فروشی	۲۰۵ (۷۳٫۲٪)
نوازندگی و حاجی فیروز	۱۳ (۴٫۶٪)
باربری و پادویی	۲۴ (۸٫۶٪)
سایر کارهای متعارف	۱۲ (۴٫۳٪)
زباله‌گردی و نان خشکی	۲۷ (۹٫۶٪)
تکدی	۱۶ (۵٫۷٪)
خرید و فروش مواد و جیب‌بری	۴ (۱٫۴٪)
تن‌فروشی	۲ (۰٫۰۷٪)
ولگردی	۹ (۴٫۳٪)

یک مبنای دیگر برای طبقه‌بندی کار کودکان بر این اساس است که کودکان به یکی از کارهای پیش‌گفته یا ترکیبی از چند کار اشتغال داشته باشند که می‌توان آن‌ها را- به صورت قراردادی- اشتغال ساده و ترکیبی نامید. این طبقه‌بندی نشان می‌دهد در مجموع ۷۵٪ کودکان کار ساده و حدود ۲۵٪ ترکیبی از کارهای مختلف را انجام می‌دهند. علاوه بر کودکانی که کار اصلی آن‌ها ممکن است ترکیبی از چند کار باشد، ۴۵/۷٪ کودکان عنوان کرده‌اند که کار دومی هم دارند. از بین این کارها ۳۴/۹٪ انواع دست‌فروشی، ۹/۱٪ زباله‌گردی و ۶٪ تکدی‌گری را عنوان کرده‌اند.

برخی از کودکان مورد بررسی (۲۸٪) عنوان کرده‌اند که به غیر از کار در خیابان، کارهای دیگری هم انجام می‌دهند که بیشترین نوع آن مربوط به کارهای کشاورزی (۹/۶٪) و کارگاهی (۹/۳٪) و در رتبه سوم کار در خانه دیگران (۴/۵٪) است.

جدول ۲. انواع مشاغل غیر خیابانی کودکان خیابانی شهر تهران، ۱۳۹۱

نوع کار غیر خیابانی	فراوانی (درصد)
کار کشاورزی	۲۸ (۹,۶٪)
کار خانگی	۸ (۲,۹٪)
کار در خانه دیگران	۱۳ (۴,۵٪)
کار در کارگاه	۲۷ (۹,۳٪)
سایر (مغازه و شاگردی)	۴ (۱,۴٪)
کل	۸۰ (۲۷,۷٪)

سن ورود به خیابان

با صرف نظر از حدود ۵٪ از کودکانی که عنوان کرده‌اند از سنین کمتر از چهار سالگی در خیابان بوده‌اند (که احتمالاً والدین خیابانی آنها را همراه خود به خیابان می‌آورده‌اند) داده‌های کمی نشان می‌دهد، سن ورود کودکان مورد بررسی به خیابان در بازه ۴ تا ۱۸ ساله بوده است. میانگین سن ورود به خیابان ۱۰/۳ سال و میانه و مد (بیشترین فراوانی) ۱۰ سالگی است.

محل کار

کودکان خیابانی در بیشتر مناطق شهر تهران کار می‌کنند. یکی از مسئولان سابق سازمان بهزیستی معتقد است که تهران به دلایل متعددی محیط مناسبی برای کار کودکان در خیابان به شمار می‌رود.

- تهران بزرگ است و همه هر کاری می‌توانند بکنند. شما اگر در یک شهر کوچک باندی درست کنید سریعاً شناسایی می‌شوید اما در تهران گم می‌شود. فرصت کار در تهران بیشتر است، ۴-۵ صبح بروید در مترو تا ۱۱ شب می‌بینید. میادین بزرگ ما شبانه‌روزی شده‌اند. بخش بعدی هم درآمدزایی است. به هر حال مردم در تهران راحت‌تر پول می‌دهند؛ و بعد فرصت‌های جدیدی است که در تهران ایجاد می‌شود، مثلاً همین مترو، حرم امام-

خیابان‌ها و میدان‌های اصلی، چهارراه‌ها و پارک‌ها، بازارها و مراکز تجاری شهر مانند بازار بزرگ تهران و خیابان‌های اطراف آن، قطارها و ایستگاه‌های خطوط مختلف مترو و مکان‌های زیارتی مانند شاه عبدالعظیم در شهر ری و امامزاده‌های شهر تهران از جمله امامزاده صالح تجریش به علت رفت و آمد زیاد مردم از مکان‌های رایج کار کودکانند.

انتخاب محل کار توسط کودکان به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها میزان شلوغی محل و امکان فروش کالا است. به همین دلیل بسیاری از کودکان خیابانی برای کار از منطقه سکونت خود دور شده و به مناطق دیگری از شهر به خصوص شمال شهر تهران که احتمال فروش در آنها بیشتر است، می‌روند. برخی هم در مناطقی نزدیک به محل سکونت‌شان که امکان کسب درآمد وجود داشته باشد، مانند بازار بزرگ تهران یا اطراف حرم شاه عبدالعظیم کار می‌کنند. بعضی هم روزهایی که به مدرسه می‌روند، در نزدیکی محل زندگی و در روزهای آخر هفته به جاهای دورتر و مکان‌های شلوغ‌تر می‌روند. میزان رفت و آمد گشت‌های جمع‌آوری کودکان به هر محل نیز در انتخاب یا استفاده از مکان‌های کار مؤثر است. تعدادی از کودکان، محل کار و نوع کار ثابتی دارند؛ مثلاً در منطقه کن کودکان لر بیشتر به کار جمع‌آوری ضایعات نان و در سرچشمه، کودکان کولی به اسفندفروشی مشغول‌اند. محل کار بسیاری از کودکان دست‌فروش اختصاص به خود آنها دارد و در مقابل گرفتن محل کار خود توسط کودکان دیگر مقاومت می‌کنند.

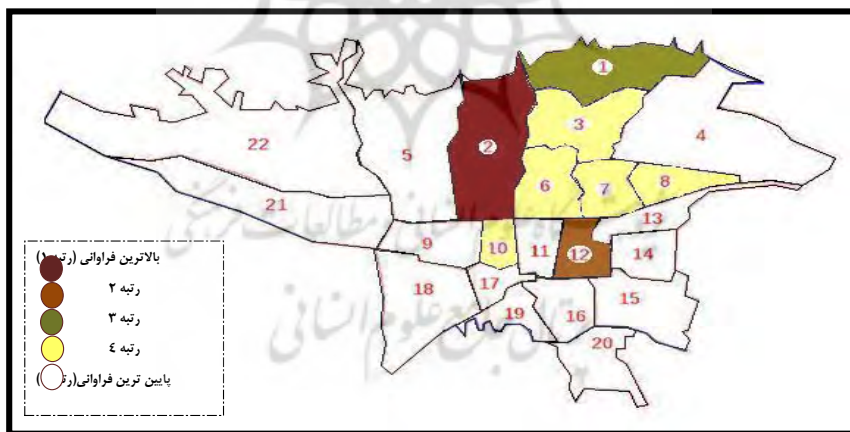
- کارشناس مرکز غیر دولتی: کاذبچه‌های تو خیابان، چه کولی‌ها، چه افغان، چه پاکستانی، همه بر اساس قدمتی که دارند به چارراه مال خودشونه. بعد مثلاً به سری چهارراه‌ها هست مثل قیطره، میدان قدس، شهرک غرب، روبروی بیمارستان آتیه، خیابان فرشته، چارراه پسیان، اینا جاهاییه که از قدیم مال بچه‌های کولی بوده. جاهایی هست که از قدیم بابای دختر وقتی بچه بوده تو همین چهارراه کار می‌کرده-

اما محل کار تعدادی نیز ثابت نیست. ثابت نبودن محل کار نیز به عوامل مختلفی بستگی دارد. ماهیت برخی کارها مانند زباله‌گردی و جمع‌آوری ضایعات نان به گونه‌ای است که کودکان در طول روز در یک جا ثابت نمی‌مانند و مجبور به جابه‌جایی دائمی می‌شوند. به گفته یکی از کودکان ایرانی، بعضی کودکان در هر یک از روزهای هفته به یک یا چند بازار روزانه می‌روند.

- دختر ۱۴ ساله ایرانی: اون جا سه شنبه بازاره، شنبه بازاره، حتی جمعه‌ها تو قرچک جمعه بازاره. بعضی‌ها هستن از اینجا یکشنبه میرن به جای دیگه کار می‌کنن، دوشنبه میرن به جای دیگه، سه شنبه به جای دیگه-

نوع مشاغل به تناسب محل کار متفاوت است. به عنوان مثال یکی از مشاغل کودکان در اطراف حرم شاه عبدالعظیم کرایه‌دادن چادر زنانه است. پادویی و باربری کار شایع کودکان در داخل و اطراف بازار تهران است. با این حال از آنجا که کار کودکان در ایران غیر قانونی است کودکان شاغل به کارهای متعارف نیز گاه مشمول برخوردهای قانونی مانند گرفتن و

جمع‌آوری اجناس از طریق گشت‌های انتظامی و شهرداری و انتقال به مراکز نگهداری می‌شوند. در این موارد کودکان ممکن است محل کار را به طور موقت یا دائم ترک کنند و به محل امن‌تر دیگری بروند؛ مثلاً به دلیل کنترل بیشتر انتظامی بر مترو در زمان‌های خاصی از ورود کودکان به آن جلوگیری می‌شود. کودکان دست‌فروش غالباً به شکل انفرادی یا در قالب گروه‌های کوچکی از کودکان هم محله‌ای یا فامیل کار می‌کنند و گاهی در هنگام کار توسط بستگان بزرگسال یا کودکان بزرگ‌تر از خود، مراقبت می‌شوند. بعضی دختران کوچک افغان گفته‌اند که خانواده آنها را به محل کار می‌برند و ظهر آنها را به خانه باز می‌گردانند. اجیرشدن کودکان برای باندها در کارهای متعارف کمتر به چشم می‌خورد، اما در مورد زباله‌گردی و تکدی‌موردی گزارش شده است. بر خلاف بسیاری از مشاغل، دست‌فروشی که در محل‌های تجمع خاصی انجام می‌شود، برخی مشاغل مانند واکس‌زدن کفش یا وزن‌کردن به شکل انفرادی است و در مکان‌های تجمع انجام نمی‌شود. بر اساس یافته‌های کمی مطالعه بیشترین فراوانی محل کار کودکان خیابانی در مناطق ۲ (۲۴/۵٪)، ۱۲ (۱۸٪) و ۱ (۱۱/۱٪) شهرداری است. تصویر ۱ پراکندگی کودکان خیابانی تهران بر اساس محل کار آنها را نشان می‌دهد.



تصویر ۱. نقشه پراکندگی فراوانی کودکان خیابانی در نمونه مورد بررسی بر اساس منطقه محل کار

زمان کار

کودکان در همه اوقات روز اما در ساعات متفاوتی به کار مشغول‌اند. برخی از کودکان دانش‌آموز، صبح‌ها را در مدرسه به سر می‌برند و بعد از ظهرها از ساعت ۳ تا ۵-۶ بعد از

ظهر و گاهی تا ۹ تا ۱۰ شب کار می‌کنند. جدول ۳ فراوانی ساعات کار کودکان در طول شبانه‌روز را از کل پاسخگویان نشان می‌دهد.

جدول ۳. ساعات کار کودکان خیابانی شهر تهران، ۱۳۹۱

ساعات کار	فراوانی (درصد)
صبح (از ۸ تا ۱۳)	۱۸ (۹,۶٪)
بعد از ظهر (۱۳ تا ۱۹)	۳۴ (۱۷,۸٪)
شب و نیمه شب (۱۹ تا ۲۴)	۸ (۴,۲٪)
صبح و بعد از ظهر	۴۴ (۲۳٪)
بعد از ظهر و شب	۴۹ (۲۵,۶٪)
کل روز (صبح و عصر و شب)	۳۸ (۱۹,۸٪)
جمع	۱۹۱ (۱۰۰٪)

عده‌ای در هر دو نوبت به کار مشغول‌اند، به خصوص بعضی که جای ثابت دارند برای حفظ محل خود، تمام وقت کار می‌کنند. ساعت‌هایی پر رفت و آمد روز و پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها زمان‌های پرکاری برای کودکان خیابانی است و تابستان‌ها نیز به دلیل طولانی‌بودن روز بیشتر در خیابان می‌مانند. یکی از دختران ایرانی گفت که او بیشتر، روزهای پنج‌شنبه در امام‌زاده یحیی کار می‌کند، چون پنج‌شنبه‌ها افراد بیشتری برای زیارت امام‌زاده می‌آیند. به گفته کودکان بعضی از بچه‌ها برای خود روزهای تعطیل دارند؛ مثلاً بعضی دختران کولی گفته‌اند که روزهای شنبه را تعطیل می‌کنند و به تفریح می‌پردازند. کودکان زباله‌گرد سرآسیاب ملارد در هر دو نوبت روز و شب کار می‌کنند، اما برای پیشگیری از دستگیری به علت زباله‌گردی و شرمندگی ناشی از نوع کار خود، کودکان کوچک‌تر که احتمال دستگیری و رد مرز آنها به علت زباله‌گردی (بازگرداندن به افغانستان) کمتر است، روزها و کودکان بزرگ‌تر و پدران عمدتاً از حدود نیمه‌شب برای زباله‌گردی به خیابان می‌روند. مصاحبه با مطلعان محلی در مکان‌های مختلف کار کودکان در تهران نیز نشان داد که کودکان زباله‌گرد معمولاً در ساعات اولیه صبح یا بعد از تاریکی هوا و عمدتاً ساعات آخر شب که مغازه‌ها و رستوران‌ها در حال تعطیلی‌اند در میان زباله‌ها به جستجوی ضایعات می‌پردازند. به گفته مطلعان محلی، تکدی کودکان نیز گرچه در همه ساعات شبانه‌روز دیده می‌شود، اما از ظهر به بعد و در روزهای تعطیل هم بیشتر است. کار در خیابان ممکن است دوره‌ای باشد؛ یعنی گاه در خیابان و گاه در کارگاه، تولیدی و امثال آن مشغول شود.

درآمد

در مورد درآمد کودکان، ارقام مختلفی از ۱۰-۵ تا ۴۰-۳۰ هزار تومان توسط کارشناسان و کودکان تخمین زده شده است. بعضی کارها، درآمد بالاتری دارند. برای مثال زباله‌گردی به‌رغم آن که کار مقبولی از دید کودکان خیابانی نیست، اما از مشاغل پردرآمد کودکان خیابانی است.

- کارشناس سازمان غیر دولتی: بیشتر افغانی‌اند زباله‌گردها و بیشتر هم هراتی‌اند و حتی بین خود افغان‌ها هم می‌گویند که خانم این را ولش کن هراتی زباله‌گرد است. با اینکه این کار را خیلی بی‌کلاسی می‌دانند ولی درآمد زباله‌گردی بالا است-

درآمد کودکان از اسفندفروشی و تکدی نیز چیزی بین ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان در روز ذکر شده است. بعضی کودکان ارقام خیلی بالاتری را ذکر می‌کنند که به نظر غیر واقعی می‌رسد. یافته‌های مطالعه کمی نشان داد که بدون احتساب ۵٪ از نمونه کودکان که درآمدهای بالای ۵۰ هزار تومان در روز را عنوان کرده‌اند، میانگین درآمد سایر کودکان از مشاغل ذکر شده به عنوان کار اول ۲۳ هزار و ۴۸۸ تومان در روز است که از حداقل روزانه ۲ هزار تومان تا حداکثر ۵۰ هزار تومان را شامل می‌شود. نما (بیشترین فراوانی) روزانه ۲۰ هزار تومان بوده است و ۱۵٪ از کودکان در روز کمتر از ۱۰ هزار تومان درآمد داشته‌اند.

میانگین درآمد کودکان از کار دوم نیز ۲۲ هزار و ۴۸ تومان و نمای آن ۲۰ هزار تومان به‌دست آمد، اما سهم بیشتری (۲۲ درصد) از کودکان در این مشاغل درآمدی کمتر از روزی ۱۰ هزار تومان دارند.

نوع هزینه‌کردن درآمد

یافته‌ها نشان می‌دهد ۷۹٪ کودکان تمام (۴۱/۹٪) یا بخشی (۳۷/۱٪) از درآمدی را که در خیابان کسب می‌کنند به خانواده می‌دهند و ۱۳/۶٪ کودکان همه درآمدشان را برای خود بر می‌دارند. کودکان افغان (۵۵/۸٪) بیش از کودکان ایرانی (۳۸/۹٪) درآمد خود را تنها به خانواده می‌دهند و این تفاوت در دو گروه معنادار است ($p < 0.003$). همین طور در میان کودکان خیابانی ۱۰ تا ۱۴ سال، ۵۱/۶٪ و در میان کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال، ۳۹٪ همه درآمد خود را به خانواده می‌دهند و این تفاوت نیز در دو گروه معنادار بود ($p < 0.006$).

جدول ۴. نوع هزینه درآمد کودکان خیابانی شهر تهران، ۱۳۹۱

نوع هزینه درآمد	فراوانی (درصد)
همه را به خانواده می‌دهد	۱۱۴ (۴۱٫۹٪)
همه را به کارفرما می‌دهد	۱۰ (۳٫۷٪)
بخشی را کودک و بخشی را خانواده برمی‌دارد	۱۰۱ (۳۷٫۱٪)
همه را کودک برمی‌دارد	۳۷ (۱۳٫۶٪)
بخشی را کودک و بخشی را کارفرما برمی‌دارد	۸ (۲٫۹٪)
سایر مصارف	۲ (۰٫۷٪)
بدون پاسخ	۱۴ (۵٫۱٪)
جمع	۲۸۶ (۱۰۰٪)

روابط کودکان خیابانی در محیط کار

مانند سایر گروه‌های اجتماعی کودکان خیابانی نیز با یکدیگر در تعامل‌اند. بخشی از تعاملات کودکان در بستر کار در خیابان شکل می‌گیرد. کسب درآمد و داشتن محل کار مناسب برای کودکان موضوعی جدی است و از این رو بر سر درآمد بیشتر با یکدیگر رقابت می‌کنند و نزاع بر سر حفظ محل کار بین کودکان رایج است. کودکان کولی اغلب به شکل گروهی، با دیگر بچه‌های کولی یا بستگان خود، در خیابان کار می‌کنند. آنها محل کار ثابتی برای خود دارند و از محدوده کار خود در مقابل دیگر کودکان حفاظت می‌کنند و اجازه ورود دیگران به محدوده خود را نمی‌دهند.

- بحث گروهی پسران ۱۴ تا ۱۸ سال کولی: هرکی از ۵-۴ سال پیش به چهار راهی میرفته و چندتا ماشین می‌شناختش، اون میشه چهارراه خودش و اگه یکی دیگه بیاد راهش نمی‌دن. دعوا میشه دیگه بیرونش می‌کنن.

کودکان بر سر فروش اجناس نیز با یکدیگر رقابت جدی دارند.

- بحث گروهی دختران ۱۴ تا ۱۸ سال افغان: بعضی از بچه‌ها هم که با هم دوست هستند، من خیلی خیلی اینو دیدم که مثلاً بچه‌هایی که تو پارک نشستن و باهم دوستند، وقتی یکی میاد از یکیشون چیزی می‌خره و از اون یکی نمی‌خره دعواشون میشه-

این رقابت‌ها گاه ساده است و با نزاعی خیابانی و بیرون کردن کودک رقیب از محل خاتمه می‌یابد و در مواردی پیچیدگی‌های خاص مربوط به هر کار را دارد. به عقیده یکی از کارشناسان مراکز غیر دولتی مناسبات کاری یکی از موضوعات رایج و مشکل ساز میان کودکان است.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: در میان کودکان، بچه‌های زباله گرد گروهی کار می‌کنند و یکی از چیزهایی هم که خیلی آنها را تهدید می‌کند همین است، چون مجبورند بین خودشان هم یک معاملاتی بکنند قبل از اینکه

وارد گاراژ شوند؛ مثلاً این هفته من می‌خواهم قوطی رب بفروشم و همه مال من است. حلبی گران‌تر از پلاستیک است و قبل از اینکه ببرند روی باسکول این توافق را می‌کنند که هرچی قوطی جمع شده مال من است. کلاً اینکه چه می‌شود که به توافق می‌رسند را خیلی اشراف ندارم ولی معمولاً اتفاقات خوبی نمی‌افتاد و ممکن است که یکی برود زیر یوغ دیگری و بپذیرد که اینطوری باشد.

در این رقابت‌ها آنهایی که قدرت بیشتری دارند، دست بالاتر را خواهند داشت. این قدرت گاه جمعی است و از همبستگی میان کودکانی که در یک محل کار می‌کنند حاصل می‌شود و گاه فردی است و از قدرت جسمی یا سایر توانایی‌های کودکان منشأ می‌گیرد.

- مسئول مرکز غیر دولتی: معمولاً بچه‌هایی که زورگوترند حاکم‌اند. ما بچه کوچیک داریم که چون قلدره بقیه رو می‌زنه همه ازش حساب می‌برن-

در عین حال کودکانی که با هم کار می‌کنند، از یکدیگر به اشکال مختلف حمایت می‌کنند. کودکان از نظر اقتصادی از یکدیگر حمایت می‌کنند و در شرایط گرفتاری به کمک هم می‌روند.

- مسئول مرکز غیر دولتی: اینکه به اتفاقی واسه یکیشون بیفته، اون یکی‌ها حتماً اولین نفرهایی هستند که می‌رن سراغش یا بخوان برن بازی، برن پارک صدا می‌کنن همون اکیمپ با هم می‌رن. اگه به مشکلی پیش بیاد، سریع می‌رن دنبالش-

هر چند کودکان اقوام مختلف ایرانی و افغان در درون خود درگیری‌هایی دارند، در مقابل دیگران از یکدیگر حمایت می‌کنند و به اصلاح خودشان یکدیگر را نمی‌فروشد. کودکان از یکدیگر حرف‌شنوی دارند و در این میان بعضی کودکان قابلیت رهبری بیشتری دارند. ویژگی رهبران قوی‌تربودن آنهاست و قوی‌تربودن تنها مربوط به سن کودکان نمی‌شود بلکه به عملکرد آنها مربوط است.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: آن کسی که خیلی رهبر است، ویژگی‌هایش هم این طوری است که معمولاً بچه‌ها نسبت به کسی که قوی‌تر عمل می‌کند آن را بیشتر می‌پذیرند و دور او بیشتر جذب می‌شوند. او می‌تواند رهبری کند و اینها را به هر جهتی بکشاند، درست یا نادرست. این قوی‌تر عمل کردن در کار است، نه اینکه جسماً قوی‌تر باشد؛ مثلاً به این است که من بهتر می‌توانم در جامعه حرف بزنم، بهتر می‌توانم فروش داشته باشم یا از کسی یک چیزی را بگیرم -

هم خصوصیت با گروه رقیب و هم حمایت از دوستان، در میان کودکان با خشونت و درگیری‌های جسمی همراه می‌شود که گاه شدید و آسیب‌زننده است.

- مسئول مرکز غیر دولتی: من فکر می‌کنم خیلی از مواقع باعث دعوا می‌شود بینشان. ما پارسال اینجا چهار تا از بچه‌هایمان بینشان دعوا شد و یک بچه افغانی که نسبتاً وضع مالی خوبی دارد از کسی که فکر می‌کرد حقش

خورده شده دفاع کرد، کار به چاقوکشی رسید و پای بچه را با چاقو جر داد و ۱۱۰ هم آمد و خیلی ماجرا ساز شد برای ما.

اعمال قدرت کودکان نسبت به یکدیگر گاه با استفاده از روابط جنسی صورت می‌گیرد.
- کارشناس مرکز غیر دولتی: برای پسران این امتیاز خیلی بالایی است که چه با دختران که با ارزش‌تر است و چه با پسران رابطه برقرار کرده باشد و نشانه قدرت است. -

سطوحی از خشونت در میان کودکان خیابانی امری متداول است. کودکان خیابانی هم در خانه‌های خود و هم در خیابان مورد خشونت قرار می‌گیرند و متقابلاً خشونت می‌ورزند.
- کارشناس مرکز غیر دولتی: یک چیزی که هست این است که این بچه‌ها به شدت خشن هستند. از بس خشونت دیده‌اند، محبت کردنشان به هم با کتک‌کاری است. روزی نیست که سر و دست و پای یکی نشکسته باشد. پسرهای بزرگ‌تر، پسرهای کوچک‌تر را می‌زنند، دخترها را آزار می‌دهند.

به گفته کارشناسان مراکز غیر دولتی کودکان افغان کمتر به خشونت تمایل دارند و این امر بر اساس در اقلیت بودن آنها در ایران و لزوم پرهیز از رفتارهایی که می‌تواند موقعیت آنها را به خطر بیندازد، قابل توجیه است. در حالی که پرخاشگری در کودکان ایرانی بیشتر دیده می‌شود. کودکان ایرانی نسبت به کودکان افغان احساس برتری دارند و تمایل زیادی به دوستی با آنها نشان نمی‌دهند.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: من ابتدای کار را که گفتم این‌ها (کودکان ایرانی) اصلاً نمی‌آمدند آنجا. اولاً می‌گفتند افغانی‌ها هستند، با افغانی‌ها درگیر می‌شوند. آنها خودشان را برتر از آنها می‌دیدند. کولی‌ها چون ایرانی بودند، ایرانی‌هایی که پراز خشونت هستند، یعنی جنسشان این طوری است که پرخاشگرند، بیشتر برای بقایشان می‌خواهند بجنگند. افغانی می‌آمد که درس بخواند و چون مورد توجه بود آنها بیشتر بچه‌ها را می‌زدند یا خفتشان می‌کردند ازشان پول می‌گرفتند.

همه روابط کودکان خیابانی به کار محدود نمی‌شود. کودکان در خلال ساعات کار بخصوص هنگامی که فشار کار کمتر است، زمان‌هایی را هم به تفریح و بازی و فراغت می‌پردازند؛ اما امکان و میزان این فراغت تحت تأثیر کار کودک قرار دارد.

- بحث گروهی دختران افغان ۱۴ تا ۱۸ سال: بچه‌ها وقتی میرن سرکار بیشتر وقت ندارن که با دوستهایشون باشن، اگر هم دوستی دارن که مثلاً باهم فال می‌فروشن، میرن باهم حرف می‌زنن و کمتر فال می‌فروشن، اون وقت شب که رفتن خونه کتک می‌خورن و اون برایشون درس میشه که کمتر برن سراغ همدیگه-
پیوند کودکان با یکدیگر به عوامل مختلفی چون اشتراک قومی، هم محلی بودن و مشکلات مشترک مربوط است.

- کارشناس مرکز غیر دولتی: ممکن است هم محلی بودنشان این‌ها را بهم پیوند دهد یا ممکن است از لحاظ رفتاری بهم نزدیک باشند. یک چیزهایی این‌ها را پیوند می‌دهد مثل هم مسیر بودنشان، هم غذا بودنشان.

یک جایی را با هم بروند در پارکی بروند. گروه‌های کوچک‌تر این طورند. گروه‌های بزرگ‌تر به خاطر رابطه‌های عاطفی که برایشان پیش می‌آید بتوانند برای هم بگویند-

بعضی کودکان از اینکه کار، احترام و روابط آنها را با دوستانشان تحت تأثیر قرار می‌دهد، شکایت می‌کنند.

- بحث گروهی دختران افغان ۱۴ تا ۱۸ سال: من یه دوستی داشتم که قبل از اینکه من برم کار کنم خیلی با من خوب بود و از صبح تا شب باهم بودیم ولی از وقتی من میرم سر کار سلام هم به من نمیده. بیشترشون هم به خاطر این خودشون رو میگیرن که ما از اون بالاتریم ولی آگه اونا هم این کار رو تجربه کنن می‌دونن چیه.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان داد که بیشتر کودکان خیابانی تهران به کارهای متعارف و نیمه‌متعارف مشغول‌اند و تعداد اندکی از کودکان (۲٪) تنها به مشاغل غیر متعارف می‌پردازند. نسبت اندکی از کودکان (۹/۰٪) هم در کنار کار خیابانی، کارهای غیر متعارف شامل تن‌فروشی و خرید و فروش مواد انجام می‌دهند. یافته‌های کیفی مطالعه نیز نشان داد که برخی از کودکان خیابانی ممکن است در پوشش یا در کنار کار خیابانی به تن‌فروشی بپردازند، اما تعداد آنها زیاد نیست. مطالعه شغلی و محرز (۱۳۸۹) نیز کم‌بودن سهم این گروه را تأیید می‌کند، هر چند در مطالعه آنها این رقم کمی بالاتر (۴/۲٪) است. در مطالعه شهرداری در حدود ۱۳٪ کودکان کار خود را بیان نکرده‌اند (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) که حداقل بخشی از این عدم پاسخ ممکن است مربوط به کارهای غیر متعارف باشد. در مطالعات آتی برای دسترسی به گروه‌های کودکان شاغل به کارهای غیر متعارف، اجرای مطالعاتی مستقل که روش آن امکان دسترسی بیشتر به گروه‌های سخت‌دستر تر کودکان خیابانی را فراهم کند را می‌توان در نظر گرفت.

در مقایسه با کارهای متعارف، کارهای نیمه‌متعارف شامل زباله‌گردی و نان خشکی (۹/۶٪) و تکدی (۵/۷٪) مقبولیت و شیوع کمتر اما درآمد بالاتری دارد. در مطالعه شهرداری تهران (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) نیز جمع‌آوری ضایعات در حدود ۱۰٪ موارد را تشکیل می‌دهد، اما در مطالعه شغلی و محرز (۱۳۸۹) فراوانی کار زباله‌گردی و نان خشکی ۳٪ بوده است. ویژگی‌های قومی با نوع کار کودکان مرتبط است به طوری که کارهای غیر متعارف در کودکان ایرانی و کارهای نیمه‌متعارف در افغان‌ها بیشتر

است. احتمالاً گرایش کمتر کودکان ایرانی به کارهای نیمه‌متعارف از مقبولیت اجتماعی پایین این مشاغل ناشی می‌شود چنانکه در مطالعه کیفی نیز نشان داده شد حتی در میان کودکان افغان زباله‌گردی جز مشاغل سطوح پایین محسوب می‌شود.

نکته قابل تأمل دیگر تفاوت سهم کودکان دست‌فروش از کل کودکان خیابانی در این مطالعه، با مطالعات قبلی است که در مطالعه حاضر ۷۲/۳٪ بوده اما در مطالعه شهرداری تهران ۳۶/۵٪ (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) و در مطالعه شغلی و محرز (۱۳۸۹)، ۲۶/۷٪ بوده است. علت تفاوت قابل توجه در نسبت انواع مشاغل کودکان در مطالعه حاضر با دو مطالعه دیگر احتمالاً محدود نبودن نمونه دو مطالعه قبلی به کودکان خیابانی و تخصیص حجم قابل توجهی از نمونه به کودکانی است که در محیط‌هایی غیر از خیابان کار می‌کنند. به طوری که در مطالعه شهرداری تهران (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) ۲۶٪ کودکان به کارگری و در مطالعه شغلی و محرز (۱۳۸۹) در حدود ۵۶٪ به شاگردی و کارگری مشغول بوده‌اند.

بسیاری از کودکان خیابانی (۴۵،۷٪) کار دومی نیز دارند و در طول زمان کار خود را عوض می‌کنند. گرچه سایر مشاغل کودکان نیز معمولاً در حوزه کار خیابانی است اما تغییر موقتی یا دائمی به مشاغل غیر خیابانی مانند کار در مغازه‌ها و کارگاه‌ها را نیز شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر حداقل برای بخش قابل توجهی از کودکان مرز مشخصی میان کار خیابانی و غیر خیابانی نبوده و کودکان هر دو موقعیت کودک خیابانی و کار را تجربه می‌کنند.

بیشترین فراوانی محل کار کودکان خیابانی در تهران، مناطق ۲ (۲۴/۵٪)، ۱۲ (۱۸٪) و ۱ (۱۱/۱٪) است. هر چند موقعیت محل از حیث پردرآمد بودن فاکتور تعیین‌کننده‌ای است، اما داده‌های کیفی نشان داد که انتخاب محل کار تحت تأثیر یک عامل نبوده و بر اساس مجموعه‌ای از عوامل مانند امکان کسب درآمد بیشتر، نزدیکی محل کار به مدرسه، تردد گشت‌های انتظامی و تناسب نوع کار با محل کار (باربری در بازار، کرایه‌دادن چادر در اطراف مکان زیارتی، زباله‌گردی در اطراف رستوران‌ها)، انتخاب می‌شود. این یافته‌ها در برنامه‌ریزی برای تعیین مکان‌های خدمات‌دهی به کودکان اهمیت فراوانی می‌یابد.

یافته‌های کیفی و کمی مطالعه حاضر نشان می‌دهد که هر چند ساعت‌های کار کودکان مختلف است، نیمی از کودکان دو نوبت در روز (۴۹٪) و یک پنجم آنها تمام روز را کار می‌کنند. مطالعه شهرداری تهران (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) نیز

نشان می‌دهد که ۹۰٪ کودکان بیش از ۵ ساعت در روز، اکثریت آنها روزها (۶۵٪) و بسیاری (۲۴٪) هم روز و هم شب کار می‌کنند. در مطالعه شغلی و محرز (۱۳۸۹) نیز ۵۵٪ کودکان صبح و بعد از ظهر به کار مشغول‌اند. زمان طولانی کار در خیابان، کودکان را در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌دهد و امکان حضور در مدرسه را منتفی می‌کند.

بر اساس یافته‌های کمی این مطالعه میانگین درآمد کودکان خیابانی ۲۰ هزار تومان در روز است. مطالعه شهرداری تهران (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) نشان داد که بیشترین فراوانی (۴۸٪) درآمد کودکان ۵ تا ۱۰ هزار تومان در روز است و مطالعه شغلی و محرز (۱۳۸۹) نیز این یافته را تأیید می‌کند. با توجه به اینکه فاصله زمانی هر دو مطالعه با مطالعه حاضر در حدود ۳ سال است، ممکن است بیشتر بودن درآمد کودکان در این مطالعه مربوط به گذشت زمان یا به ودن تعداد کودکان دست‌فروش در مطالعه حاضر باشد. بر اساس یافته‌های کمی مطالعه بیشتر کودکان (۷۹٪) تمام یا بخشی از درآمد خود را به خانواده می‌دهند و ۷۵/۳٪ آنها علت کار کردن خود را تأمین معاش خانواده می‌دانند. بخصوص در میان کودکان افغان کار برای تأمین معاش به شکل معناداری بیشتر از سایر کودکان است. همچنین در میان کودکان ایرانی کولی، کارکردن و کسب درآمد عمدتاً وظیفه کودکان خانواده است. مطالعه شهرداری (سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، ۱۳۸۹) نیز نشان می‌دهد که ۸۰٪ کودکان درآمد خود را برای خانواده هزینه می‌کنند. با توجه به درآمد قابل توجه کودکان و در نظر داشتن احتمال کار بیش از یک کودک در خانواده، درآمد کودکان خیابانی نقش مهمی در تأمین نیازهای زندگی کودک و خانواده دارد و مانع جدی در توقف کار کودکان در خیابان است. این یافته به ضرورت توجه به علل زمینه‌ای کار کودکان در راهبردهای مرتبط با کاهش کار کودک و اولویت آن بر اقدامات حذفی مانند جمع‌آوری کودکان تأکید دارد. به این ترتیب به منظور کاهش کار کودک در کوتاه‌مدت، اولویت با مداخلات کاهش آسیب و در درازمدت خروج کودکان از کار خیابانی با افزایش درآمد خانواده از طریق کاهش بیکاری و توانمندسازی خانواده‌ها است.

روابط کودکان در خیابان از کار آنها متأثر می‌شود. کودکان برای محل کار و فروش بیشتر با هم رقابت می‌کنند اما در عین رقابت در درون گروه‌های خود بخصوص گروه‌های قومی، در شرایط گرفتاری و مشکلات اقتصادی از یکدیگر حمایت می‌کنند. از ویژگی‌های حمایتی کودکان بخصوص آنهایی که دارای ویژگی‌های رهبری گروه هستند، می‌توان در

اجرای مداخلات از جمله آموزش‌های کودکان استفاده کرد. کار خیابانی فرصت فعالیت‌های کودکی بخصوص تفریح و بازی کودکان را به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد. به این دلیل کودکان خیابانی از تفریح و بازی استقبال می‌کنند و می‌توان ضمن برنامه‌ریزی برای ورزش و تفریح کودکان، به طراحی و ادغام برنامه‌های آموزشی و سایر خدمات در قالب بازی و تفریح اقدام کرد.

منابع

- آرزومندی منیره، روشن پژوه، محسن (۱۳۸۹). بررسی مقایسه‌ای مقیاس ناامیدی کودکان در میان کودکان کار و خیابان و کودکان محروم غیر خیابانی. اولین سمینار بررسی آسیب‌های کودکان کار و خیابان و زنان سرپرست خانوار.
- ایمانی نفیسه، نرسیان‌س امیلیا (۱۳۹۱). مطالعه انسان‌شناسانه‌ی پدیده‌ی کار کودکان خیابانی در شهر کرج. مسائل اجتماعی ایران. سال سوم. شماره یک: ۳۲-۷.
- سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران (۱۳۸۹). بررسی وضعیت کودکان کار و خیابان شهر تهران. منتشر نشده.
- روشن‌پژوه و دیگران (۱۳۸۹). بررسی وضعیت کودکان کار و خیابان منطقه ۲۰ تهران.
- شغلی علیرضا، محرز مینو (۱۳۸۹). مطالعه زیست- رفتاری کودکان کار و خیابانی شهر تهران در ارتباط با عفونت HIV/AIDS. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. مرکز مدیریت بیماری‌ها.
- وامقی مروثه، سجادی حمیرا، رفیعی حسن (۱۳۸۸). مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی در یک دهه اخیر در ایران. گزارش طرح تحقیقاتی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

- Abdelgalil S, Gurgel RG, Theobald S, Cuevas LE. (2004). *Household and family characteristics of street children in Aracaju, Brazil*. Archives of Disease in Childhood 89: 817-820.
- Aksit B, Karanci N, Gundus Hosgor, A. (2001). *Turkey Working Street Children in Three Metropolitan Cities: A Rapid Assessment*. International Labor Organization, Geneva
- Aptekar, L. (1994). "Street Children in the Developing World: A Review of Their Condition". *Cross-Cultural Research*, Vol. 28, No. 3, 195-224.
- Bromley RDF, Mackie PK. (2009). Child experiences as street traders in Peru: contributing to a reappraisal for working children. *Children's Geographies* 7: 141-158.
- Hatloy A, Huser, A. (2005). *Identification of Street Children, Characteristics of Street Children in Bamako and Akra*. FAFO Research Program on Trafficking and Child Labor, Norway.

- Hong DK, Ohno K. (2005). *Street Children in Vietnam Interactions of Old and New Causes in a Growing Economy*, Vietnam Development Forum and National Graduate Institute for Policy Studies: Hanoi.
- International labor Organization (2002). Eliminating the worst forms of child labor: A practical guide to ILO convention No. 182, *Handbook for parliamentarian's* No. 3. International labor Organization and Inter-Parliamentary Union
- Lalor KJ. (1999). *Street children: a comparative perspective*. Child Abuse & Neglect 23: 759–770.
- Ribeiro MO, Trench Ciampone, MH. (2001). Homeless Children: the Lives of a group of Brzznnnmeee Chldrnn.. *Journal of Advanced Nursing*, 35 (1): 42–49,
- Thomas de Benitez S. (2011). *State of The World's Street Children: Research*. Consortium for Street Children, London.
- Vameghi M, Sajadi H, Rafiey H. (2014). *The Socio Economic Status of Street Children in Iran: A systematic Review of Studies in Recent Decade*. Children and Society, Vol. 28, 352-365
- Yohanssen J (2009). *Causes of Child Labor, A case study of Babati Town*. Tanzania. Bcchoo's Thssss, oodrrroan nnivrrsty Cogggg choo of fff snnnee. Available in: www.diva-portal.org/smash/get/diva2:358647/FULLTEXT01.pdf
- Young L. (2004). *Journeys to the street: the complex migration geographies of Ugandan street children*. Geoforum 35: 471–488.